

پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های عشق‌ورزی
(صمیمیت، میل، تعهد) و اضطراب*

Predicting Marital Satisfaction According to Love-Making Styles
(Intimacy, Desire, Commitment) and Anxiety

S. Hedayati Dana, Ms.C. ✉

سوسن هدایتی دانا ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد رودهن

H. Saberi, Ph.D.

دکتر هائیده صابری

استادیار دانشگاه آزاد رودهن، گروه روان‌شناسی

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۴

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۳/۴/۱۷

پذیرش مقاله: ۹۳/۴/۲۹

Abstract

One of the most important factor to determine satisfaction in a married life is to ave mental health. The main purpose of this study was to determine the anxiety ratio (trait - state) and the Styles of lovemaking (Intimacy, passion/enthusiasm and commitment) in marital satisfaction. This research is correlational. The statistical population included all married personnel of SAI-PA automotive manufacturer company in the years 1391 - 1392.

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رضایتمندی در رابطه زناشویی، وجود عشق و برخورداری از سلامت روان می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر، تعیین سهم اضطراب کل، اضطراب آشکار و پنهان و سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل / شور و شوق و تعهد) در رضایت زناشویی بود. این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه پرسنل متأهل شرکت خودروسازی سایپا در سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ بود.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن می‌باشد.

✉ نویسنده مسئول: رودهن، دانشکده روان‌شناسی مجتمع دانشگاهی، صندوق پستی ۱۸۹

پست الکترونیکی: soosan_dana@yahoo.com

✉ Corresponding author: Roudehen University Complex, Po Box 189, Department Of Psychology, University Roudehen-Iran
Email: soosan_dana@yahoo.com

For this purpose, 200 married personnel were selected by the simple random sampling approach. In order to data gathering, Sternberg's triangular love scale test, Spielberger anxiety scale (state/obvious& trait/invisible) and Enrich marital satisfaction short form were used. Obtained data were analyzed using multiple regression. Results of this study showed that among love and its pattern (Intimacy, passion and commitment), the intimacy and commitment factors are positively and significantly correlated with marital satisfaction, the passion factor is not a significant predictor for marital satisfaction. However, in the level of anxiety (general-obvious-invisible), between general anxiety and invisible anxiety with marital satisfaction, there is a negative and significant correlation, while obvious anxiety is not a significant predictor of marital satisfaction, In other words, the intimacy, commitment, general anxiety and invisible anxiety are proper predictors for marital satisfaction.

Keywords: Styles of Lovemaking, Anxiety, Marital Satisfaction.

بدین منظور ۲۰۰ نفر پرسنل زن - مرد متأهل، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، آزمون‌های مقیاس عشق سه وجهی استرنبرگ، مقیاس اضطراب (آشکار و پنهان) اشپیل برگر و فرم کوتاه رضایت زناشویی انریچ به کار گرفته شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد. نتایج این پژوهش نشان داد که از میان عشق و سبک‌های آن مولفه‌های صمیمیت و تعهد بیشترین سهم را در رضایت زناشویی داشتند اما متغیر میل (شور و شوق) پیش بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود. اضطراب کل و پنهان پیش‌بینی کننده‌های مناسبی برای رضایت زناشویی بودند. حال آن که، اضطراب آشکار پیش بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های عشق‌ورزی، اضطراب، رضایت زناشویی.

مقدمه

از آنجایی که زندگی زناشویی با ازدواج و تشکیل خانواده شروع می‌شود، ازدواج را می‌توان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌ها در زندگی هر فرد دانست. وجود یک ازدواج رضایت‌مندانه، محل تلاقی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین است و تشکیل خانواده بهنجار نقش مهمی در سلامت، کیفیت زندگی و بهزیستی کل جامعه دارد (فیتنس^۱، ۲۰۰۱؛ نقل از نصیری، راجی و احمدی، ۱۳۹۲). لذا می‌توان گفت رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده می‌باشد (گریف^۲، ۲۰۰۰؛ نقل از خدایاری‌فرد، شهبابی، اکبری، ۱۳۸۶).

تقریباً غالب زوج‌هایی که ازدواج می‌کنند در آغاز زندگی، دارای سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند (مارکمن و هالوگ^۲، ۱۹۹۳؛ نقل از هالفورد^۳، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). اما متأسفانه رضایت از رابطه در طی زمان و در برخی ازدواج‌ها کاهش می‌یابد. این در حالی است که رضایت‌مندی از ازدواج یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی هر فرد می‌باشد (برادبوری^۴، ۱۹۹۸؛ نقل از حاتمی، ۱۳۸۹). همچنین رضایت زناشویی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده پایداری و ناپایداری یک رابطه باشد (تیرگری، ۱۳۸۴). کپلن و مادوکس^۵ (۲۰۰۲)، نقل از نصیری و همکاران، ۱۳۹۲) معتقدند رضایت زناشویی یکی از تجربیات شخصی هر یک از زوجین است که می‌تواند در پاسخ به سطح لذت در زندگی زناشویی ارزیابی گردد و به انتظارات، نیازها و خواسته‌های فرد در ازدواج بستگی دارد.

همچنین استحکام بنیان خانواده و سلامت روانی افراد را تضمین می‌کند (عسگری، ۱۳۸۰). اما رضایت در رابطه زناشویی، به سادگی حاصل نمی‌شود بلکه نیازمند تلاش قابل توجهی از جانب هر دو شریک در زندگی می‌باشد (استراکبین^۶، ۲۰۰۱؛ نقل از حاتمی، ۱۳۸۹). اینکه چرا رضایت‌مندی در زندگی زناشویی نقش مهمی را بر عهده دارد، باید گفت که احساس افراد درباره جنبه‌های زندگی-شان و کیفیت آن، عاملی اساسی در ادامه زندگی زوجین می‌باشد و همواره بین سلامت روان و شخصیت آن‌ها با روابط خانوادگی، عاشقانه، دوستانه و صمیمی، ارتباط دو سویه وجود دارد (نجارپوریان، ۲۰۱۲). مطالعات حاکی از آن است که بین اختلال‌های اضطرابی و آشفتگی زناشویی ارتباط قوی و معناداری وجود دارد. امروزه اضطراب بالا به عنوان پدیده مختل‌کننده عملکرد و روابط میان فردی شناخته شده است که سبب می‌شود فرد، قادر به برقراری ارتباط سالم با دیگران نباشد (چامبلس، فورباخ، فلود، ویلسون، رمن و رنه برگ^۷، ۲۰۰۲)، به عبارت دیگر، اختلالات اضطرابی از جمله مهم‌ترین اختلالاتی هستند که تاثیر به‌سزایی در کارکرد خانواده دارند (ریان^۸ و همکاران، ۲۰۰۵؛ نقل از عباسی، منصوری، یزدخواستی و دهقانی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر نارضایتی و آشفتگی در روابط زوجین نیز می‌تواند زمینه‌ساز اختلالات اضطرابی و سایر اختلال‌های شناختی باشد و در موارد دیگر بر شدت و تداوم مشکلات موجود در خانواده‌ها بیافزاید (بک^۹، ۱۹۹۴؛ ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۷۹). همان‌طور که اضطراب نقش بسزایی در کیفیت زندگی و میزان رضایت‌مندی زوجین ایفا می‌کند، عدم عشق و محبت کافی نیز ممکن است به صورت مشکلات شناختی، اختلالات اضطرابی و مشکلات فیزیولوژیکی نمایان شود و یا اینکه زمینه را برای گرایش به انحرافات اجتماعی از قبیل روابط فرا زناشویی، معشوقه بازی، عدم تعهد، بی‌بندوباری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اضطراب، افسردگی، شکاکیت و اعتیاد فراهم سازد (مسترز^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ تیلگمن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۸؛ نقل از کریمیان، ۱۳۹۰). بنابراین روابط نزدیک و عاشقانه از جمله عوامل دیگری است که بر سلامت روان و رضایت‌مندی زوجین اثر نزدیک و مستقیم

دارد (بک، ۱۹۹۴؛ ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۷۹). متاسفانه مشاهده زندگی زناشویی افراد در سطح جامعه و مطالعه پژوهش‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که در همه زندگی‌های خانوادگی، فضای صمیمانه، آرامش، محبت و عشق برقرار نیست، تفاهم بین همه زوجین وجود ندارد، یعنی رضایت از زندگی برای اکثر افراد تامین نمی‌شود. این امر می‌تواند حاصل عدم درک صحیح از دیدگاه یکدیگر، نداشتن آگاهی کافی از مفهوم عشق و صمیمیت، نداشتن سلامت روان و ابتلا به اختلال‌های شناختی از جمله اضطراب باشد (ستیر^{۱۳}، ۱۹۸۳؛ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت مفهوم عشق و عشق‌ورزی، نظریه‌های بسیاری در این زمینه مطرح شده است اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها که به تبیین اجزا و انواع عشق می‌پردازد، نظریه مثلثی عشق است که توسط یکی از روان‌شناسان معاصر بنام استرنبرگ^{۱۴} ابداع شده است. او در سال ۱۹۸۶ با ارائه نظریه سه وجهی عشق، عشق را ترکیبی از سه عنصر صمیمیت^{۱۵}، میل (شور و شوق)، تعهد می‌داند. صمیمیت: شامل احساس نزدیکی، عاطفه، ارتباط، پیوستگی عمیق، خود افشاگری و وابستگی فردی در روابط عاشقانه است. این بعد جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، در قید طرف مقابل بودن ایجاد می‌کند (نلسون^{۱۶}، ۲۰۰۵؛ نقل از قمرانی و طباطبایی، ۱۳۸۵). میل (شور شوق)^{۱۷}: احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق است. این بعد جنبه انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی و عطوفت مهرورزانه ایجاد می‌کند. تصمیم/ تعهد^{۱۸}: شامل تصمیم‌های خود آگاهانه و غیر خودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این بعد جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم گرفتن برای تعهد داشتن، حفظ و نگهداری معشوق و رابطه طولانی مدت با اوست (استرنبرگ، ۱۹۸۶؛ نقل از فرح‌بخش و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵). ترکیب این سه عنصر عشق، انواع مختلف عشق را به وجود می‌آورد و هنگامی که همه عناصر به طور متوازن حضور داشته باشند، کامل‌ترین نوع عشق یعنی عشق تمام عیار به وجود می‌آید. اما باید به این امر توجه شود که در روابط نزدیک، عشق تنها یکی از عواملی است که سبب موفقیت در رابطه می‌شود، نه همه آن و همواره موارد دیگری در ایجاد رضایت‌مندی دخیل می‌باشند (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶).

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد اهمیت سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) در کیفیت روابط و رضایت زناشویی و نقش اضطراب در رضایت زناشویی صورت گرفته است. پژوهش‌های حفاظی طبقه، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵) حاکی از وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین هر سه مولفه عشق و رضایت زناشویی بود. پژوهش رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷) نشان داد که بین مولفه‌های عشق، تنها بعد صمیمیت، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش ولی بیگی و پیوسته (۱۳۸۷) بیانگر آن بود که از بین عناصر عشق (صمیمیت، میل و تعهد) تنها بین صمیمیت

و رضایت از زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و همچنین عنصر صمیمیت با عدم سلامت روان و بیماری‌های روانی رابطه معکوس و معنادار، بین عنصر تعهد با سلامت روان رابطه مستقیم و معنادار، بین رضایت از زندگی و سلامت روان رابطه مستقیم و معنادار و بین رضایت از زندگی و بیماری‌های روانی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. کامکار و جباریان (۱۳۸۵) نشان دادند که ۵۷٪ اختلال در روابط زناشویی به دلیل اختلال در روابط صمیمی و عاطفی زوجین بوده است. سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در پژوهش خود نشان دادند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می‌تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب رضایت زناشویی نمی‌گردد. احمیت اوگلو^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند از بین مولفه‌های عشق، بعد میل (هوس) با استمرار رابطه زناشویی، رابطه منفی و با بعد تعهد رابطه مثبت داشت.

کرافورد، فینگ، فیشر و دیانا^{۲۰} (۲۰۰۳) طی یک پژوهش به این نتیجه رسیدند که عشق و برابری بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های تناوب رابطه هستند و باعث افزایش تعهد در رابطه و رضایتمندی می‌شوند. آوریبک، کمپ، اینگلز^{۲۱} (۲۰۰۷) در پژوهشی بیان کردند بین مولفه‌های عشق (صمیمیت، میل و تعهد) با تداوم رابطه عاشقانه، رابطه مثبت وجود دارد و بیپهل^{۲۲} (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود نشان داد که بین اضطراب بالا و رضایت زناشویی پایین (هم برای زنان و هم شوهرانشان) رابطه معناداری وجود دارد (نقل از مشاک، ۱۳۸۹). کلی، کلر والشیخ^{۲۳} (۲۰۰۹) نشان دادند که اضطراب با پرخاشگری زناشویی مرتبط است و صفت اضطراب هم در زن و هم در شوهر، خصومت زناشویی و سطح پایین رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

کانو^{۲۴} و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی طولی، مشاهده کردند که اختلافات زناشویی با اضطراب و افسردگی‌های بعدی مرتبط است. (کاستن، ۲۰۰۴؛ نقل از کریمی‌نژاد، ۱۳۸۹) در پژوهش خود دریافت که اختلال‌های اضطرابی اغلب دارای اثرات مخرب بر روابط بین فردی و زمینه‌ساز کاهش رضایت زناشویی می‌باشند. مایرز و داینر (۱۹۹۵) دریافتند که سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب و خشم با رضایت از زندگی رابطه معنادار دارند. همچنین، نشان دادند رضایت از زندگی با سطوح بالای سلامت روانی رابطه دارد، هر چه میزان رضایت از زندگی بیشتر باشد، تجربه عواطف و احساسات مثبت نیز بیشتر می‌شود (نقل از مشاک، ۱۳۸۹). به طور کلی افرادی که از سلامت روانی بهتری برخوردارند، در قبال همسر و خانواده احساس مسئولیت بیشتری دارند و می‌توانند در هنگام بروز مشکلات، امیال فردی خود را کنترل کنند و از راهبردهای موثرتری جهت مقابله با تنیدگی و مشکلات خانوادگی بهره می‌گیرند. از طرفی نداشتن سلامت روان کافی و اختلالاتی نظیر اضطراب، افسردگی علاوه بر آنکه بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر منفی دارد، در عشق و محبت طرفین نسبت به یکدیگر نیز اثرگذار است. روابط نزدیک و عاشقانه بر سلامت روانی زوجین به ویژه جلوگیری از استرس، افسردگی و اضطراب اثر مستقیم دارد و در مقابل ناسازگاری و عدم وجود روابط رومانسیک

مشکلات جدی در پی دارد (ملازاده، ۱۳۸۱؛ نقل از ولی‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۶). بسیاری از ازدواج‌های کنونی با عشق و تاکید بر روابط عاشقانه آغاز می‌گردد، اما پایدار نمی‌ماند. عشق واقعی، مستلزم تعهد و دلبستگی است و در واقع این تعهد و دلبستگی در دوران زندگی زناشویی، اساس یک رابطه عاشقانه است. با اندکی تعمق به پیامدها و زیان‌های اجتماعی (از قبیل آمارهای طلاق که هر ساله رو به افزایش است)، اقتصادی و روانی (از جمله هزینه‌هایی که سالانه صرف درمان اختلال‌های اضطرابی می‌شود)، خواهیم دید که توجه به عوامل موثر در رضایت زناشویی از جمله بالا بردن آگاهی افراد در خصوص مفهوم عشق و سبک‌های عشق‌ورزی، تعهد و صمیمیت، برخورداری از سلامت روان، گامی عاقلانه و سودمند در جهت بالا بردن رضایت زناشویی خواهد بود و از آنجایی که اضطراب تاثیر قدرتمندی را در زندگی فردی و به تبع آن، زندگی زناشویی و کیفیت آن دارد، شناخت متغیر اضطراب در بررسی رضایت زناشویی می‌تواند گامی مفید باشد زیرا اضطرابی که بر افراد متحمل می‌شود از طرفی بر سطح رضایتمندی افراد در زندگی زناشویی و از سوی دیگر بر میزان و سبک‌های عشق‌ورزی افراد تاثیر می‌گذارد (نقل از میراحمدی‌زاده، نخعی امرودی، طباطبایی، شفیعیان، ۱۳۸۲).

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه اضطراب و سبک‌های عشق‌ورزی انجام شده است، اما در مرور پیشینه موضوع، پژوهشی که همزمان به بررسی رابطه بین اضطراب و سبک‌های عشق‌ورزی در رضایت زناشویی پرداخته باشد، در دسترس قرار نگرفت. لذا هدف از پژوهش حاضر با توجه به مطالب ذکر شده تعیین سهم اضطراب (کل، آشکار و پنهان) با رضایت زناشویی و هدف دیگر تعیین سهم سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل/شور و شوق و تعهد) با رضایت زناشویی می‌باشد. سوال اصلی مطرح شده در این پژوهش این است که آیا اضطراب و سبک‌های عشق‌ورزی (۳ سبک صمیمیت، میل و تعهد)، رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کنند؟ بنابراین با توجه به اهداف مطرح شده، فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

فرضیه اول: براساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) و اضطراب کل می‌توان رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد.

فرضیه دوم: براساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) و اضطراب آشکار و پنهان می‌توان رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر شامل کلیه ی پرسنل متاهل (زن - مرد) شرکت خودرو سازی سایپا در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۱ شهر کرج، مشمول بر ۲۰۰۰ نفر بود. حجم نمونه بر اساس تعداد

متغیرهای پیش بین تحقیق که شامل اضطراب، صمیمیت، میل و تعهد بود، محاسبه شد. بدین صورت که به ازای هر متغیر ۴۰ نفر و در مجموع ۴ متغیر که برابر با ۱۶۰ نفر می‌باشد. با در نظر گرفتن بیش برآورد و با توجه به اینکه در تحقیقات همبستگی ۲۰۰ نفر حجم مکفی توسط متخصصان در نظر گرفته می‌شود (دلاور، ۱۳۷۵)، در نهایت حجم نمونه در پژوهش حاضر شامل ۲۰۰ نفر از پرسنل متاهل (زن - مرد) شرکت خودروسازی سایپا در شهر کرج، در نظر گرفته شد. روش جمع‌آوری داده‌ها بدین گونه بود که با توجه به دسترسی محقق به همه اعضای جامعه با استفاده از روش تصادفی ساده، با هماهنگی مسئولین ابتدا لیست پرسنل بخش‌های مختلف شرکت که در سال ۹۲ مشغول به کار بودند از طریق مسئول مربوطه جمع‌آوری شد. سپس به تناسب فراوانی تعداد پرسنل، ۲۰۰ نفر انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اشیپیل برگر (STAI):^{۲۵} این پرسشنامه توسط اشیپیل برگر و گروش (۱۹۷۰) با هدف اندازه‌گیری دو نوع اضطراب تهیه شد و دارای ۴۰ گزینه که ۲۰ گزینه اول اضطراب آشکار (حالت) و ۲۰ گزینه بعدی، اضطراب پنهان (صفت) را اندازه‌گیری می‌کند. اضطراب آشکار یک واکنش هیجانی که از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر می‌کند. اضطراب پنهان یک ویژگی شخصیتی که فراوانی و شدت واکنش هیجانی شخص نسبت به فشار را منعکس می‌کند. این نوع اضطراب خصیصه شخص است، نه ویژگی موقعیتی که شخص با آن روبرو است (شریفی، ۱۳۷۶). محاسبه نمره خام هر شرکت‌کننده بدین صورت است که برای پاسخ "اصلاً" نمره ۱ و برای پاسخ "خیلی زیاد" نمره ۴ منظور می‌شود. اشیپیل برگر و گروش (۱۹۷۰) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های اضطراب آشکار و اضطراب پنهان را به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ و برای مجموع آن، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ را گزارش کردند. این پرسشنامه در ایران توسط مهram (۱۳۷۳) هنجاریابی شده که اعتبار آن به ترتیب برای اضطراب آشکار و پنهان، ۰/۹۱ و ۰/۹۲ و برای مجموع آن ۰/۹۱ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب همسانی درونی بین سوال‌ها در مورد آزمون اضطراب اشیپیل برگر، ضریب آلفا برابر با ۰/۸۸۴ بدست آمد.

پرسشنامه الگوهای عشق استرنبرگ:^{۲۷} این پرسشنامه توسط رابرت. جی استرنبرگ در سال ۱۹۸۶ تدوین شده است که دارای ۴۵ ماده می‌باشد و سه مولفه صمیمیت (۱۵ سوال اول)، میل (۱۵ سوال بعدی) و تعهد (۱۵ سوال آخر) را می‌سنجد. پاسخ به آنها به روش لیکرت و به صورت ۹ گزینه‌ای (۱ به معنای کاملاً مخالف و ۹ به معنای کاملاً موافق) که به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ نمره‌گذاری می‌شود که نمرات بالاتر به معنای صمیمیت، میل و تعهد بیشتر می‌باشند. استرنبرگ (۱۹۹۷) اعتبار این آزمون را ۰/۹۰ ذکر کرده است (قمرانی و طباطبایی، ۱۳۸۵). در ایران ترجمه فارسی این مقیاس توسط

حفاظتی طبقه، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵) مورد هنجاریابی قرار گرفته است که اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مولفه‌های صمیمیت (۰/۹۶)، میل (۰/۹۲)، تعهد (۰/۹۵) گزارش کردند که حاکی از اعتبار قابل قبول پرسشنامه می‌باشد. همچنین امان‌الهی فرد (۱۳۸۵) اعتبار پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مولفه‌های صمیمیت (۰/۸۹) میل (۰/۸۹) و تعهد (۰/۸۱) گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، ضریب همسانی درونی بین سوال‌ها در مورد آزمون الگوهای عشق استرنبرگ، ضریب آلفا برابر با ۰/۹۸۴ و برای مولفه‌های صمیمیت (۰/۹۸۱)، میل (۰/۹۷۳) و تعهد (۰/۹۲۴) بدست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH):^{۲۸} این پرسشنامه توسط فاورز و اولسون (۱۹۸۹) با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و زمینه‌های قوت روابط زناشویی، همچنین برای تشخیص زوج‌هایی که نیاز به مشاوره و تقویت رابطه خود دارند، تدوین شده است. فرم کوتاه آن شامل ۴۷ ماده و از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. نمره‌گذاری سوال‌ها از نوع مقیاس لیکرت است که پاسخ سوال‌ها در یک طیف پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نه موافقم نه مخالف = ۳، مخالفم = ۲، کاملاً موافقم = ۱) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالا بیانگر رضایتمندی بیشتر است. کمترین و بیشترین نمره آزمودنی در این پرسشنامه به ترتیب ۴۷ و ۲۳۵ می‌باشد (نقل از کریمی‌نژاد، ۱۳۸۹). فاورز و اولسون (۱۹۸۹) اعتبار کلی این فرم را با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کردند.

سلیمانیان (۱۳۷۳) اعتبار مقیاس رضایت زناشویی انریچ که از طریق آلفای کرونباخ بدست آمده برابر با ۰/۹۵ و فرقانی (۱۳۸۲) اعتبار این پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند که حاکی از اعتبار قابل قبول می‌باشد. در پژوهش حاضر، ضریب همسانی درونی بین سوال‌ها در مورد آزمون رضایت زناشویی انریچ، ضریب آلفا برابر با ۰/۹۳۱ بدست آمد.

شیوه اجرا

برای اجرای این پژوهش پس از جلب رضایت سازمان در جهت همکاری و مشخص شدن اعضای گروه نمونه، پرسش‌نامه‌ها همراه دستورالعمل تکمیل طی یک جلسه، میان گروه نمونه توزیع گردید و از آن‌ها خواسته شد در یک زمان مناسب با توجه به رابطه‌ای که با همسرشان دارند، به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دهند و قبل از توزیع پرسش‌نامه‌ها جهت ترغیب پرسنل به پاسخ‌گویی صادقانه، اهداف تحقیق و اهمیت آن برای آن‌ها توضیح داده شد و اعلام شد که می‌توانند پرسش‌نامه‌ها را بدون ذکر نام تکمیل نمایند. بعد از دو هفته پرسش‌نامه‌ها از طریق مراجعه پژوهشگر به شرکت سایپا، جمع‌آوری شد و مورد بررسی قرار گرفتند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله تحلیل آماری، با توجه به این‌که هدف، تعیین سهم (پیش‌بینی) اضطراب و الگوهای عشق‌ورزی در رضایت زناشویی بود از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار SPSS16 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این مطالعه دارای سطح تحصیلات لیسانس، بیش از یک‌سوم فوق‌لیسانس و ۱۲/۵٪ نیز فوق‌دیپلم بودند. حداکثر سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۵۵ سال و حداقل سن ۲۱ سال بود.

خلاصه شاخص‌های آماری از قبیل میانگین، انحراف معیار، همراه با حداکثر و حداقل نمرات مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان در آزمون سبک‌های عشق‌ورزی (۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد)، اضطراب (آشکار، پنهان و کل) و رضایت زناشویی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان در آزمون‌های سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد)، اضطراب (آشکار، پنهان و کل) و رضایت زناشویی (N=۲۰۰)

| متغیرها | مولفه‌ها | میانگین | انحراف معیار | کجی | کشیدگی |
|------------------|------------------|---------|--------------|--------|--------|
| الگوهای عشق‌ورزی | صمیمیت | ۱۱۱/۴۱ | ۱۹/۱۴ | -۱/۶۵۶ | ۳/۳۴۲ |
| | شور و شوق/میل | ۹۰/۲۳ | ۲۵/۶۷ | -۰/۵۴۵ | -۰/۱۴۵ |
| | تعهد | ۱۱۴/۸۲ | ۱۴/۳۱ | -۱/۵۸۱ | ۱/۹۸۱ |
| اضطراب | آشکار (حالت) | ۴۶/۱۷ | ۳/۶۳ | -۰/۷۷۹ | ۲/۰۹۹ |
| | پنهان (صفت) | ۴۴/۴۵ | ۴/۱۵ | ۰/۷۴۵ | ۱/۱۳۴ |
| | اضطراب (نمره کل) | ۹۰/۶۲ | ۶/۳۲ | ۰/۲۵۴ | ۰/۶۲۵ |
| رضایت زناشویی | رضایت زناشویی | ۱۶۳/۰۱ | ۲۲/۹۲ | -۰/۵۷۵ | ۰/۵۶۴ |

براساس اطلاعات جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های شرکت‌کنندگان در آزمون‌های سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد)، اضطراب (آشکار، پنهان و کل) و رضایت زناشویی شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی و کشیدگی (تا حدی بجز مولفه صمیمیت) نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارد.

در جدول ۲ خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

بین متغیرها (N=200)

| رضایت زناشویی r | مولفه‌ها | متغیرها |
|--------------------|------------------|------------------|
| ۰/۶۸۹** | صمیمیت | سبک‌های عشق‌ورزی |
| ۰/۵۶۹** | شور و شوق/میل | |
| ۰/۶۳۷** | تعهد | |
| ۰/۰۷۳ | اشکار | اضطراب |
| -۰/۱۹۵** | پنهان | |
| -۰/۰۸۷ | اضطراب (نمره کل) | |

** معنادار در سطح ۰/۰۱

ضرایب به دست آمده در جدول فوق بیانگر همبستگی ساده بین متغیرهای پیش بین و ملاک است. جهت همبستگی‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین ۳ مولفه صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد با رضایت زناشویی است ($p < 0/01$). حال آن که، همبستگی اضطراب پنهان (صفت) با رضایت زناشویی منفی و معنادار است ($p < 0/01$). در ادامه خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های عشق‌ورزی (۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد) و اضطراب (کل، آشکار و پنهان) ارائه شده است.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس

سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد) و اضطراب کل (N=200)

| مدل | R | R ² | R ² تعدیل شده | R ² تغییر یافته | F | دوربین- واتسون |
|-----|-------|----------------|--------------------------|----------------------------|----------|----------------|
| ۱ | ۰/۷۰۴ | ۰/۴۹۵ | ۰/۴۸۷ | ۰/۴۹۵ | ۶۴/۰۸۰** | |
| ۲ | ۰/۷۱۳ | ۰/۵۰۸ | ۰/۴۹۸ | ۰/۰۱۳ | ۵۰/۳۰۰** | ۱/۸۴۷ |

خلاصه ضرایب رگرسیون متغیرهای صمیمیت، شور و شوق، تعهد و اضطراب کل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: خلاصه ضرایب رگرسیون

| مدل | پیش‌بینی کننده‌ها | B | خطای معیار | β | t | تولرانس | VIF |
|-----|-------------------|--------|------------|---------|---------|---------|-------|
| ۱ | عدد ثابت | ۵۷/۳۸۰ | ۹/۸۸۷ | - | ۵/۸۰۴** | - | - |
| | صمیمیت | ۰/۵۴۴ | ۰/۱۱۸ | ۰/۴۵۴ | ۴/۶۰۷** | ۰/۲۶۵ | ۳/۷۶۹ |
| | شور و شوق/میل | ۰/۰۸۱ | ۰/۰۶۹ | ۰/۰۹۱ | ۱/۱۷۲ | ۰/۴۲۹ | ۲/۳۳۲ |
| | تعهد | ۰/۳۲۹ | ۰/۱۴۳ | ۰/۲۰۵ | ۲/۳۰۲* | ۰/۳۲۴ | ۳/۰۸۷ |
| ۲ | عدد ثابت | ۹۳/۷۷۹ | ۱۸/۹۶۹ | - | ۴/۹۴۴** | - | - |
| | صمیمیت | ۰/۵۶۷ | ۰/۱۱۷ | ۰/۴۷۳ | ۴/۸۳۲** | ۰/۲۶۳ | ۳/۷۹۸ |
| | شور و شوق/میل | ۰/۰۶۷ | ۰/۰۶۹ | ۰/۰۷۶ | -۰/۹۹۴ | ۰/۴۲۶ | ۲/۳۴۹ |
| | تعهد | ۰/۳۲۳ | ۰/۱۴۱ | ۰/۲۰۲ | ۲/۲۸۵* | ۰/۳۲۴ | ۳/۰۸۸ |
| | اضطراب (نمره کل) | -۰/۴۱۰ | ۰/۱۸۳ | -۰/۱۱۳ | -۲/۲۴۰* | ۰/۹۹۰ | ۱/۰۱۱ |

* معنادار در سطح ۰/۰۵ ، ** معنادار در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۴۸۷) در مدل اول بدین معنی است که ۴۸/۷ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد تبیین می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۷۰۴) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۶۴/۰۸۰) در سطح اطمینان حداقل ۹۹٪ معنادار است. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای صمیمیت و تعهد با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. حال آن‌که، همبستگی بین مولفه شور و شوق/میل با رضایت زناشویی معنادار نبود.

در مدل دوم، با ورود متغیر اضطراب (نمره کل) مقدار R^2 اندکی افزایش یافت (۰/۵۰۸). به عبارت دیگر، با وارد کردن متغیر اضطراب ۵۰/۸ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد به همراه متغیر اضطراب تبیین می‌شود. همبستگی متغیر سطح اضطراب با رضایت زناشویی منفی و معنادار بود.

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های

عشق‌ورزی (صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد) و اضطراب (آشکار و پنهان) ($N=200$)

| مدل | R | R^2 | R^2 تعدیل شده | R^2 تغییر یافته | F | دوربین-واتسون |
|-----|-------|-------|-----------------|-------------------|----------|---------------|
| ۱ | ۰/۷۰۴ | ۰/۴۹۵ | ۰/۴۸۷ | ۰/۴۸۷ | ۶۴/۰۸۰** | |
| ۲ | ۰/۷۱۶ | ۰/۵۱۲ | ۰/۵۰۰ | ۰/۵۰۰ | ۴۰/۷۳۸** | ۱/۸۴۶ |

در جدول ۶ خلاصه ضرایب رگرسیون برای متغیرهای صمیمیت، شور و شوق، تعهد و در سطح اضطراب (آشکار و پنهان) ارائه شده است.

جدول ۶: خلاصه ضرایب رگرسیون

| مدل | پیش‌بینی کننده‌ها | B | خطای معیار | β | t | تولرانس | VIF |
|-----|-------------------|--------|------------|---------|---------|---------|-------|
| ۱ | عدد ثابت | ۵۷/۳۸۰ | ۹/۸۸۷ | - | ۵/۸۰۴** | - | - |
| | صمیمیت | ۰/۵۴۴ | ۰/۱۱۸ | ۰/۴۵۴ | ۴/۶۰۷** | ۲۶۵ | ۳/۷۶۹ |
| | شور و شوق/میل | ۰/۰۸۱ | ۰/۰۶۹ | ۰/۰۹۱ | ۱/۱۷۲ | ۰/۴۲۹ | ۲/۳۲۲ |
| | تعهد | ۰/۳۲۹ | ۰/۱۴۳ | ۰/۲۰۵ | ۲/۳۰۲* | ۰/۳۲۴ | ۳/۰۸۷ |
| ۲ | عدد ثابت | ۹۲/۱۴۳ | ۱۸/۹۷۴ | - | ۴/۸۵۶** | - | - |
| | صمیمیت | ۰/۵۵۰ | ۰/۱۱۸ | ۰/۴۵۹ | ۴/۶۶۹** | ۰/۲۶۰ | ۳/۸۴۳ |
| | شور و شوق/میل | ۰/۰۷۱ | ۰/۰۶۹ | ۰/۰۷۹ | ۱/۰۲۹ | ۰/۴۲۶ | ۲/۳۵۰ |
| | تعهد | ۰/۳۱۷ | ۰/۱۴۱ | ۰/۱۹۸ | ۲/۲۴۲* | ۰/۳۲۳ | ۳/۰۹۲ |
| | اضطراب آشکار | -۰/۰۲۹ | ۰/۳۴۳ | -۰/۰۰۵ | -۰/۰۸۴ | ۰/۸۵۴ | ۱/۱۷۱ |
| | اضطراب پنهان | -۰/۷۱۵ | ۰/۲۹۵ | -۰/۱۳۰ | -۲/۴۲۴* | ۰/۸۷۸ | ۱/۱۳۹ |

* معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۴۸۷) در مدل اول بدین معنی است که ۴۸/۷ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد تبیین می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۷۰۴) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۶۴/۰۸۰) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای صمیمیت و تعهد با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. حال آن که، همبستگی بین مولفه شور و شوق/میل با رضایت زناشویی معنادار نبود.

در مدل دوم، با ورود متغیرهای اضطراب آشکار و پنهان مقدار R^2 اندکی افزایش یافت (۰/۵۰۰). به عبارت دیگر، با وارد کردن متغیرهای اضطراب آشکار و پنهان ۵۰ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ سبک صمیمیت، شور و شوق/میل و تعهد به همراه دو متغیر اضطراب آشکار و پنهان تبیین می‌شود. هرچند، از بین دو متغیر اخیر، تنها همبستگی بین متغیر اضطراب پنهان و رضایت زناشویی منفی و معنادار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین سهم اضطراب و سبک‌های عشق‌ورزی (سه سبک صمیمیت، میل و تعهد) در رضایت زناشویی پرسنل (مرد - زن) شرکت خودروسازی سایپا صورت گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان سه سبک عشق‌ورزی، مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد بیشترین سهم را در رضایت زناشویی داشتند. حال آن‌که، متغیر میل (شور و شوق) پیش‌بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود. بنابراین در پژوهش حاضر شواهد برای پذیرش این فرضیه که مؤلفه میل با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد، کافی نیست.

تحقیقات پیشین نیز در رابطه با سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، تعهد) و رضایت زناشویی اغلب به نتایج مشابهی دست یافتند. در پژوهش حفاظی طرقله، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵) یافته‌ها بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین هر سه مؤلفه عشق و رضایت زناشویی بود که با نتایج پژوهش حاضر همسو بود، با این تفاوت که در پژوهش حاضر متغیر میل (شور و شوق) پیش‌بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود. هم‌چنین با یافته‌های پژوهش کامکار و جباریان (۱۳۸۵)؛ سپاه‌منصور و مظاهری (۱۳۸۵)؛ ولی‌بیگی و پیوسته (۱۳۸۷)؛ رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷)؛ که از بین عناصر عشق (صمیمیت، میل و تعهد)، صمیمیت بیشترین سهم را در رضایت زناشویی و تعاملات زوجین ایفا می‌کند، همسو می‌باشد. هم‌چنین با یافته‌های حاصل از پژوهش آوریک و همکاران (۲۰۰۷)، کرافورد و همکاران (۲۰۰۳)، احمات اوگلو^{۳۰} و همکاران (۲۰۰۹)، مونت گومری و سورل (۱۹۹۷)، پاتریک و همکاران (۲۰۰۷) همسو بود.

این‌که چرا مؤلفه‌های عشق (صمیمیت، میل و تعهد) با افزایش رضایت زناشویی همراه است، شاید نیاز چندانی به توضیح نداشته باشد. با مرور پیشینه پژوهش می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی (ارضای میل/ هوس) یکدیگر را غیر جذاب بیابند، به همین دلیل برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به‌کارگیری خرد است. به طور کلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولرز، ۲۰۰۷)^{۳۱}. از سویی دیگر وجود تعهد در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می‌کوشند (هریس^{۳۲}، ۲۰۰۶). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند (پترسون^{۳۳}، ۲۰۰۲).

بعد میل یا هوس (شور و شوق) نیز با ارضای نیازهای عاطفی و جسمانی (جنسی) زوجین در ارتباط بوده و بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است، اما محصول صمیمیت بین زوجین بوده و به صورت مستقل نمی‌تواند پیش‌بین معناداری برای رضایتمندی زناشویی باشد. همان‌طور که یافته‌های این پژوهش در ارزیابی همبستگی سه مؤلفه صمیمیت، میل و تعهد و رضایت زناشویی با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون، حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بود، در حالی که با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه از میان سه سبک عشق‌ورزی، مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد بیشترین سهم را در رضایت زناشویی داشتند و متغیر میل (شور و شوق) پیش‌بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود. به نظر می‌رسد اگرچه میل به تنهایی با رضایت زناشویی رابطه دارد ولی در مقایسه با مؤلفه صمیمیت و تعهد که سهم بیشتری را در رضایتمندی زناشویی ایفا می‌کنند، معنادار به نظر نمی‌رسد.

از نتایج دیگر این پژوهش این بود که با توجه به بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی متغیر اضطراب در پیش‌بینی رضایت زناشویی با استفاده از روش رگرسیون سلسله مراتبی، اضطراب (کل) پیش‌بین معناداری در رضایت زناشویی بود. هم‌چنین از میان دو سطح اضطراب (آشکار و پنهان) اضطراب پنهان بیشترین سهم را در رضایت زناشویی داشت. بنابراین شواهد برای پذیرش این فرضیه که براساس اضطراب کل و پنهان می‌توان رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد کافی بود اما اضطراب آشکار پیش‌بین معناداری برای رضایت زناشویی نبود. نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر با یافته‌های پژوهش کلی و همکاران (۲۰۰۹)، کاستن (۲۰۰۴)، مایرز و داینر (۱۹۹۵) مبنی بر این‌که بین

اضطراب بالا و رضایت زناشویی پایین (هم برای زنان و هم شوهران‌شان) رابطه معناداری وجود دارد، اضطراب، سطح پایین رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و به طور کلی اختلال‌های اضطرابی اغلب دارای اثرات مخرب بر روابط بین‌فردی و زمینه‌ساز کاهش رضایت زناشویی می‌باشند، همسو بود. اضطراب به خاطر ماهیت و نشانه‌هایش روی زندگی زناشویی تأثیر منفی دارد و معمولاً بین اختلال‌های اضطرابی و آشفتگی زناشویی ارتباط قوی و منفی وجود دارد. داشتن اضطراب از آن جهت بر کیفیت رضایتمندی افراد تأثیرگذار است که احتمالاً باعث می‌شود، فرد احساس بیماری و پریشانی کند و این احساس بر برداشت وی از شرایط زندگی اثر منفی بگذارد. در نتیجه احساس رضایت، عشق و محبت وی از زندگی کاهش یابد (حسینی قدمگاهی، ۱۳۷۶). اضطراب با کاهش قابل توجهی در کیفیت زندگی همراه است و خصومت زناشویی و سطح پایین رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. آشفتگی روابط بین زوجین موجب اضطراب در یکی یا هر دو می‌شود و در موارد دیگر بر شدت مشکلات موجود در خانواده می‌افزاید.

هم‌چنین علائم اضطراب با پرخاشگری زناشویی همراه است و اضطراب در هر کدام از زوجین خصومت زناشویی (مثل عیب‌جویی، سرزنش، تحقیر، فریاد زدن) را پیش‌بینی می‌کند که این امر باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. یافته‌های برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که عشق پیامدهایی برای سلامتی و بهزیستی روانی دارد، بدین گونه که ممکن است مناطق مغزی مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه (که ساختارهای سیستم لیمبیک را فعال می‌سازد) دستگاه عصبی خودمختار را کنترل کند، یعنی تنیدگی و اضطراب را کاهش دهد و عملکرد دستگاه ایمنی را بهتر سازد (ایش و استفانو، ۲۰۰۵). کومیساروک، وپیل (۱۹۹۸) یک مکانیسم عصبی ارائه دادند که بر اساس آن محرومیت از عشق ممکن است تحریک جبرانی درون‌زاد از جمله اضطراب را ایجاد کند و به شکل یک بیماری روان‌تنی نمود پیدا کند. طبق یافته‌های به دست آمده در این پژوهش اضطراب پنهان پیش‌بین قدرتمندی در رضایت زناشویی بود اما اضطراب آشکار پیش‌بین مناسبی برای رضایت زناشویی نبود. به عبارت دیگر فردی که دائماً اضطراب را تجربه می‌کند و این امر به یک صفت و ویژگی شخصیتی مبدل شده است (اضطراب پنهان)، رضایت کمتری را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کند.

این پژوهش دارای چندین محدودیت بود: اول این‌که نمونه این پژوهش را پرسنل شرکت خودروسازی سایپا تشکیل می‌دادند لذا تعمیم‌پذیری به سایر گروه‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. در بررسی عوامل مرتبط با رضایت زناشویی علاوه بر متغیرهایی که در این پژوهش مورد ارزیابی و اندازه‌گیری قرار گرفتند (اضطراب و الگوهای عشق‌ورزی) متغیرهای دیگری نیز ممکن است اثر داشته باشند که کنترل تمامی آن‌ها از سوی محقق میسر نیست؛ لذا تفسیر نتایج باید با در نظر گرفتن این مسئله صورت گیرد. محدودیت دیگر به واسطه نحوه پاسخگویی آزمودنی‌ها بود. زیاد بودن تعداد سؤالات

پرسش‌نامه ممکن است سبب بی‌حوصلگی و خستگی آزمودنی‌ها شده باشد و بدین ترتیب دقت پاسخ‌گویی را کاهش داده باشد. لذا در تفسیر نتایج باید این مورد را هم مدنظر قرار داد. در نهایت این که مطالعه حاضر یک پژوهش مقطعی و از نوع همبستگی است، همین امر نتیجه‌گیری علت و معلولی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.

با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها و با توجه به نقش و تأثیری که صمیمیت، تعهد، عشق خردمندانه و اضطراب در رضایتمندی زناشویی دارند و نظر به این امر که رضایت زناشویی در سلامت و سعادت فرد، خانواده و نهایتاً جامعه تأثیر غیر قابل انکاری دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در گروه‌های دیگر اجتماع صورت گیرد و پژوهش به روش طولی و استفاده از ابزارهای دیگر پژوهشی از قبیل مصاحبه برای دستیابی به درک و شناخت بهتر و عمیق‌تر می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های بعدی باشد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1. Fitness | 18. Commitment |
| 2. Griffé | 19. Ahmetoglu |
| 3. Markman & Hahlweg | 20. Crawford- Feng - Fisher & Diana |
| 4. Halfurd | 21. Averbek - Camp & Aynglz |
| 5. Bradbury | 22. Biehle |
| 6. Caplan & Maddox | 23. Keily, Keller, & El-sheikh |
| 7. Sterackbein | 24. Kano |
| 8. Chambls, Furbakh, flood, Wilson, Roman & Renneberg | 25. State- trait anxiety inventory |
| 9. Ryan | 26. Spielberg and Grusch |
| 10. Beck | 27. Triangular inventory of love Sterenberg |
| 11. Masters | 28. Enrich |
| 12. Tylgman | 29. Fowers & Olson |
| 13. Setyr | 30. Ahmetoglu |
| 14. Sternberg | 31. Patrick, Sells, Giordano & Tollerud |
| 15. Intimacy | 32. Harris |
| 16. Nelson | 33. Patterson |
| 17. Passion | |

منابع

- استرنبرگ، ر. (۱۳۸۶). *قصه عشق (نگرشی تازه به روابط زن و مرد)*، (ترجمه بهرامی، ع. ا.)، تهران: نشر جوانه رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).
- بک، آرون. تی. (۱۳۷۹). *عشق هرگز کافی نیست* (ترجمه قراچه‌داغی، م.). تهران: انتشارات پیکان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۴).
- تیرگری، ع؛ اصغرزاد، ف؛ بیان‌زاده، ع. و عابدین، ع. ر. (۱۳۸۵). *مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی و رابطه ساختاری آن‌ها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- حاتمی، غ. (۱۳۸۹). بررسی رابطه مؤلفه‌های عشق با رضایتمندی زناشویی در معلمین متأهل شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- حسینی قدمگاهی، ج. (۱۳۷۶). کیفیت روابط اجتماعی، میزان استرس و راهبردهای مقابله با آن در بیماران کرونری قلب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- حفاظی طریقه، م.؛ فیروزآبادی، ع. و حق‌شناس، ح. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزای عشق و رضایتمندی زوجی، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. دوره شانزدهم، شماره ۵۴، ص ۹۹-۱۰۹.
- خداپاری فرد، م.؛ شهابی، ر. اکبری زردخانه، س. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۶۱۱ - ۶۲۰.
- دلاور، علی (۱۳۷۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات سخن.
- رحیمی، غ. و بنگانی، خ. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل ادارات دولتی اهواز، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۷، شماره ۲۵، ص ۲۵-۷.
- سپاه‌منصور، م. و مظاهری، م. (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده. در ایران، ص ۲۱۷.
- ستیر، و. (۱۳۸۳). آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده (ترجمه بیرشک، ب.). تهران: انتشارات رشد.
- سلیمانیان، ع. ا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی با رضامندی زناشویی در دانشجویان متأهل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.
- شریفی، پ. (۱۳۷۶). نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، تهران: انتشارات سخن.
- عباسی، م. دهقانی، م. یزد خواستی، ح. منصور، ن. (۱۳۸۸). کارکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات اضطرابی و افسردگی در مقایسه با خانواده‌های جمعیت عمومی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۱۹، ص ۳۶۱ - ۳۷۰.
- عسکری، ه. (۱۳۸۰). نقش بهداشت روان در ازدواج و زندگی و طلاق، تهران: انتشارات گفتگو.
- فرقانی، ر. (۱۳۸۲). بررسی اثربخشی آموزش شناختی - رفتاری بر رضایت زناشویی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- فرح‌بخش، ک. و شفیق‌آبادی، ع. (۱۳۸۵). ابعاد عشق‌ورزی بر اساس نظریه سه‌بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۳۰، ص ۲۰-۱.
- قمرانی، س. و طباطبایی، ج. (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک، مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۵، شماره ۱۷، ص ۹۵-۱۰۹.
- کامکار، م. و جباریان، ش. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۳۱۱.
- کریمی‌نژاد، ک. (۱۳۸۹). رابطه اضطراب و افسردگی با رضایت زناشویی در زنان و مردان کارمند اداره‌های دولتی شهر خرم‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کریمیان، ن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۲، ص ۲۶۳-۲۵۶.
- مشاک، ر. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های عشق (صمیمیت، لذت، تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل، فصلنامه زن و فرهنگ، ص ۹۷-۸۴.
- معمدین، م. (۱۳۸۳). تأثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر این باورها و رضایت زناشویی زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده بهزیستی اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران.

- مهرام، ب. (۱۳۷۲). *راهنمای آزمون اضطراب آشکار و پنهان اشیپیل برگر*. مشهد: انتشارات دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- میراحمدی‌زاده، ع؛ نخعی، ن؛ طباطبایی، ح. و شفیعیان، ر. (۱۳۸۲). رضایتمندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال هشتم، شماره ۴، ص ۶۳-۵۶.
- نصیری زارچ، ز. راجی، ح. احمدی، غ (۱۳۹۲). رابطه بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی زوجین مناطق سه گانه شهر اصفهان، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۳۲۵ - ۳۴۱.
- ولی‌بیگی، م. و پیوسته، م. (۱۳۸۷). بررسی میزان و نوع عشق با رضایت از زندگی و سلامت روان در دانشجویان زن متأهل دانشگاه الزهراء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- هالفورد، ک. (۱۳۸۴). *زوج‌درمانی کوتاه‌مدت*. (ترجمه: تبریزی، م؛ کاردانی، م. و جعفری، ف.). تهران: انتشارات فرا روان.

- Ahmetoglu, G, Swarni, V, & Chamorro-premuzic, T. (2009). The Rilationship Between Dimensions of love, personality, and Rilationship Length. *Archives of Sexual Behavior, Springer Journa*. 39(5), 230-218.
- Cano, A, OLeary, K, & Heinz, W. (2004). Short- Term Consequences of Severe Marital Steressors. *Journal of social and Personal Relationships*, (21), 419-428.
- Chambless, D. L, fauerbach, J. A, Floyd, F. J, Wilson, K. A, Remen, A. L, & Renneberg, B. (2002). Maital interaction of agoraphobia women. A Controlled, behavioral observation study. *Journal of AbnormalPsychology*, 111, 502-512.
- Crawford, D. W., Feng, D., Fischer, J. L., & Diana, L. K. (2003). The influence of love, equity, and alternative on commitment in romantic relationships. *Family and consumer Research Journal*, 31(3), 253-271.
- Esch, T., & Stefano, G. B. (2005). Love promotes health. *Neuroendocrinology Letters*, 26(3), 264-267.
- Harris, V. W. (2006). Context and intraction: A comparison of individuals actress various income levels. *Science Context*, 17(4), 48-52.
- keily, K, keller, S. & El-sheikh, M. (2009). Effects of hysical and verbal aggression, depression and anxatety on drinking Alcohol of marital partner. *Journal of Aggressive Behavior*, (35), 296-312.
- Komisaruk, B. R., & Wipple (1998). Love as sensory stimulation: physiological conesquences of its deprivation and expression. *Psychoneuroendocrinology*, 23(8), 927-944.
- Montgomery, M & Sorell, G. (1997). differences in love attitudes across family life states. *journal of family relationships*, (46), 55-61.
- Najarpourian, S. (2012). Personality Types and Marital Satisfaction, *Interdisciplinary Journal Of Contemporary Research In Business*, Vol 4, 372-378 (Persian).
- Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, 64, 349-360.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. and Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.